
گنجینه گویش‌های ایرانی
(استان اصفهان ۱)

تألیف
محمد مهدی اسماعیلی

گویش‌های:

طرفی
طاری
کیش‌ای
طامه‌ای
نطنزی
تکیه‌ای

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نشر آثار / تهران ۱۳۹۰

گنجینه گویش‌های ایرانی (استان اصفهان ۱)

تألیف: محمدمهدی اسماعیلی

نسخه‌پرداز: عبدالنبی سلامی

حروف‌چینی: الهه حسینی ملایری

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمار: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی و چاپ کاوا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۳۱-۷-۹ ISBN: 978-964-7531-97-9

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو، مجموعه فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی،

صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

تلفن: ۴۸-۸۸۶۴۲۳۳۹ (۰۲۱)، فکس: ۸۸۶۴۲۵۰۰ (۰۲۱)

وب‌گاه (وب‌سایت): www.persianacademy.ir

حق چاپ محفوظ است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

یادداشت

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتاب‌شناسی ملی

اسماعیلی، محمدمهدی، ۱۳۴۹ -

گنجینه گویش‌های ایرانی استان اصفهان (۱) / تألیف محمدمهدی اسماعیلی.

تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰.

۳۹۵ص: جدول، نمودار.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۷۶.

۹۰۰۰۰ ریال: 978-964-7531-97-9

واژه‌نامه.

کتابنامه.

نمایه.

اصفهانی

زبان‌های ایرانی — گویش‌ها

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

PIR۳۰۲۴ ۱۳۹۰ ۵الف۶۲الف/

مر۴۹

۲۵۴۲۸۷۷

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	پیش‌گفتار
۱۳	گوشوران
۱۷	نشانه‌های آوایی- واجی
۱۹	نقشه مناطق
۲۱	فصل اول: کلیات
۳۹	فصل دوم: ویژگی‌های زبانی (واج‌شناسی، صرف، نحو)
۸۵	فصل سوم: واژه‌نامه موضوعی
۸۶	اندام‌ها و اجزا و وابسته‌های بدن انسان
۹۶	ابزار کار، وسایل خانه و کانی‌ها
۱۱۴	آفت‌ها، بیماری‌ها و واژه‌های وابسته
۱۲۲	بستگان، آشنایان و پیشه‌وران
۱۳۲	معماری و اجزای ساختمان
۱۴۰	پوشیدنی‌ها، زیورها و وابسته‌های آنها
۱۴۶	گیاهان (درختان، گیاهان دارویی و غذایی) و خوراکی‌ها
۱۶۲	جانداران (حیوانات، پرندگان، حشرات) و موجودات خیالی
۱۷۶	عناصر و موقعیت‌های جغرافیایی و پدیده‌های طبیعی
۱۸۴	واحد سنجش (عدد، زمان، وزن)
۱۹۶	مزه‌ها و رنگ‌ها
۱۹۸	ضمیرها (شخصی، مشترک، اشاره، مبهم)
۲۰۲	خصلت‌های انسانی و دیگر واژه‌ها
۲۱۴	واژه‌های متضاد (رودررو)
۲۲۷	فصل چهارم: فعل‌ها و مصدرها
۲۲۸	صیغگان ده فعل لازم و متعدی
۲۶۸	فعل‌های ساده و پیشوندی
۳۰۸	فعل‌های مرکب
۳۱۷	فصل پنجم: جمله‌های فارسی و معادل گویشی آنها
۳۷۳	نمایه فارسی
۳۹۶	کتاب‌نامه

مقدمه

در سال ۱۳۸۳، نخستین دفتر از گنجینه گویش‌شناسی فارس به همت پژوهشگر سخت‌کوش و علاقه‌مند، آقای عبدالنبی سلامی، از سوی گروه گویش‌شناسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شد و افتخار نوشتن مقدمه آن نیز نصیب اینجانب گردید. آن دفتر دربردارنده معادل‌های حدود ۲۳۰۰ واژه و ۱۰۰ جمله پایه در نه گویش از گویش‌های رایج در استان فارس بود. کوشش‌های آقای سلامی و یاری‌های مسئولان محترم فرهنگستان زبان و ادب فارسی سبب شد که این کار مهم و بی‌سابقه با جدیت دنبال شود و در نتیجه دفترهای دوم تا ششم گنجینه گویش‌شناسی فارس نیز به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ منتشر شد. این شش دفتر مجموعاً مواد خام ۵۴ گویش رایج در استان فارس را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. پیش‌بینی می‌شود که تعداد دفترهای گنجینه گویش‌شناسی فارس به هشت برسد که در آن صورت تعداد گویش‌های گردآوری‌شده استان فارس به ۷۲ خواهد رسید که رقمی درخشان است.

پس از ادغام دو گروه زبان‌های ایرانی و گویش‌شناسی در یکدیگر و تشکیل گروه جدیدی با نام زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در سال ۱۳۸۹، مدیریت این گروه بر عهده اینجانب نهاده شد. از همان آغاز، دو طرح اصلی برای گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در نظر گرفته شد: یکی تدوین *واژه‌نامه موضوعی زبان‌های باستانی ایران* که جلد نخست آن در آغاز سال ۱۳۹۰ منتشر شد و دیگری انتشار مجموعه‌ای با عنوان *گنجینه گویش‌های ایرانی* که نخستین دفتر از آن را در پیش رو دارید.

هدف از انتشار *گنجینه گویش‌های ایرانی*، که در واقع ادامه کار سرگ آقای سلامی در دیگر استان‌های این سرزمین پهناور است، صرفاً ارائه مواد خام (حدود ۲۵۰۰ واژه و ۱۰۰ جمله) از گویش‌های اصیل ایرانی است که می‌تواند از جنبه‌های مختلف آوازی، صرفی، نحوی، واژگانی و معنایی مورد بررسی قرار گیرد و پژوهشگران عرصه‌های گوناگون، به‌خصوص زبان‌شناسان و مردم‌شناسان، را به کار آید.

گنجینه گویش‌های ایرانی بر اساس پرسش‌نامه‌ای فراهم آمده که در وب‌گاه فرهنگستان (به نشانی www.persianacademy.ir) در درون فایل به نام «راهنمای گردآوری

گویش‌ها» موجود است. این پرسش‌نامه در واقع الگوی گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی برای گردآوری مواد خام گویش‌های ایرانی است.

گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی امیدوار است که بتواند با همکاری زبان‌شناسان و پژوهشگران علاقه‌مند، دیگر دفترهای گنجینه گویش‌های ایرانی را به‌زودی منتشر کند و گامی در حفظ گویش‌های ایرانی، یا دست‌کم ثبت آنها برای استفاده آیندگان، بردارد.

حسن رضائی باغبیدی
مدیر گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

پیش‌گفتار

کتاب حاضر اولین جلد از مجموعه گنجینه گویش‌های ایرانی (استان اصفهان) می‌باشد که به بررسی و توصیف دستوری شش گویش این استان پرداخته است. در این کتاب سعی شده برای انجام کاری اصولی‌تر، در صورت امکان به بررسی و مطالعه گویش‌هایی از استان پرداخته شود که در ناحیه‌ای نزدیک‌تر و مجاور هم قرار دارند، تا بر این اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های گویشی و زبانی حتی در یک محدوده جغرافیایی کوچک‌تر نیز مشخص گردد. به همین دلیل بخش مرکزی شهرستان نطنز - یکی از بیست شهرستان استان اصفهان - که از مناطق غنی گویشی است، انتخاب شد. بخش مرکزی شامل سه دهستان طرقرود، برزرو و گرگس می‌باشد. سه گویش طرقری، طاری و کیشه‌ای در سه روستا به همین نام (یعنی طرقری، طار و کیشه) واقع در دهستان طرقرود تکلم می‌شوند. اگرچه درصد بالایی از درک متقابل بین این گویش‌ها وجود دارد، با این حال تفاوت و فاصله جغرافیایی اندک نیز در این گویش‌ها منعکس شده است، به طوری که هر یک دارای ویژگی‌های خاص خود است که آن را از دیگری متمایز می‌سازد و اهالی خود نیز به آن ادعای دارند. بقیه آبادی‌های این دهستان گویش خاصی ندارند.

دو گویش طامه‌ای و نطنزی در دهستان گرگس واقع‌اند. سعی نگارنده برای بررسی یک گویش دیگر از این دهستان، متأسفانه به دلیل پیدا نشدن گویشور مناسب و مشکلات دیگر به انجام نرسید و به همین جهت استثنائاً گویش تکیه‌ای، از روستای کوچک تکیه سادات، واقع در دهستان برزرو انتخاب گردید. در صورت ادامه کار بررسی، بقیه گویش‌های این شهرستان (حتی‌الامکان دهستان به دهستان)، و پس از آن به ترتیب بقیه شهرستان‌های شمالی و شرقی استان اصفهان مورد تحقیق و پژوهش قرار خواهند گرفت. لازم به توضیح است که کار جمع‌آوری پیکره اصلی این گویش‌ها، طی سه سفر به منطقه در تابستان و پاییز سال جاری (۱۳۸۹) صورت گرفته است. با این وجود در مواردی، جهت رفع بعضی ابهامات و سؤالات به وجود آمده و یا حتی استفاده از نظرات برخی افراد مطلع و آگاهان فرهنگی منطقه، از گویشوران ساکن در تهران نیز استفاده شده است. این گویشوران غالباً کسانی هستند که هنوز با اعضای خانواده خود به گویش محلی صحبت می‌کنند.

شایان ذکر است که از شش گویش مورد بررسی در این کتاب، درباره سه گویش نطنزی، طاری و کیشه‌ای تاکنون تألیفاتی انجام گرفته است که در فصل اول (کلیات) به صورت مختصر معرفی می‌شوند. درباره سه گویش دیگر تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، اثری منتشر نشده است.

در اینجا توضیح چند نکته درمورد مطالب کتاب حاضر ضروری می‌نماید:

۱- علت خالی بودن بعضی ستون‌های واژه‌نامه موضوعی، عدم وجود معادل آن واژه در گویش‌های این نواحی، به علت نبود مصداق یا مدلول آن است، از جمله کلمات مربوط به خرما و دیگر گیاهان و خوراکی‌ها (مثلاً نخل، خرما، نارس، سبذ حصیری خرما، حصیر از برگ نخل، گنار، بنه، بُکرای، پوشیدنی‌ها (مثلاً سوزن نگین‌دار بینی، آویز بغل گوش عروس) و حتی ابزار و وسایل مربوط به نواحی گرمسیری جنوب ایران. به عنوان مثال معادل گویشی اصیلی برای «مشک‌دان» (به علت سردسیر بودن منطقه)، «خمرة آب» (به علت وجود آب فراوان در این ناحیه)، «مشک‌دوز» (به علت آن که هر کس برای استفاده شخصی خود مشک می‌دوخته است) و یا «زغال‌دان» (به دلیل فراوانی چوب و بوته در

منطقه و استفاده از آن به جای زغال) در این نواحی وجود ندارد. در این موارد گویشوران به قیاس فارسی این واژه‌ها را به کار می‌برند و یا بهتر است بگوییم می‌سازند، مانند واژه xig-duz (خیگ‌دوز) در برابر مدخل مشک‌دوز.

۲- مشکل دیگری که در برخی مدخل‌ها دیده می‌شود، این است که صورت اسمی آن مدخل وجود ندارد، ولی صورت صفتی آن به کار می‌رود. برای مثال «فلجی دست» معادل گویشی ندارد، در صورتی که صفت آن یعنی «کُج» (koč = کسی که دستش فلج یا معیوب است) رایج است. این وضعیت در مورد «فلجی پا»، «کچلی»، «چپ‌چشمی یا لوچی» نیز وجود دارد. در برخی موارد نیز برای بیان مفهوم مورد نظر اصلاً از جمله استفاده می‌شود، مانند مدخل «سقط جنین» که در این گویش‌ها و احتمالاً دیگر گویش‌های ایران، جمله «بیچه بارش رفته است» یا دیگر معادل‌های آن به کار می‌رود و صورت اسمی آن رایج نیست.

۳- در بعضی مدخل‌ها وضعیت و معنای فعل به وضوح مشخص نشده است. برای مثال در مدخل فعل‌های معروف به دووجهی مانند شکستن، ریختن، بریدن و پختن، معنی مورد نظر یعنی لازم یا متعدی بودن آن، به علت تأثیری که در صرف فعل دارد (ساخت گنایی یا اِرگاتیو برای معنی متعدی و ساخت مجهول برای معنی لازم)، مشخص نگردیده است. در این موارد معنی متعدی افعال لحاظ شده است.

مورد دیگر از مشخص نبودن معنای فعل، به عنوان نمونه چند مثال زیر است: مدخل «زدن» (کتک زدن، ساز زدن، در زدن، مدخل «گذاشتن» نهادن یا اجازه دادن)، مدخل «گشتن» (تفریح کردن یا دنبال چیزی گشتن)، مدخل «چیدن» (قطع کردن یا مرتب کردن)، مدخل «پیچیدن» (دور زدن یا دور چیزی گرداندن)، مدخل «روشن کردن» (آتش یا چراغ و وسایل برقی)، مدخل «آوردن و بردن» (با مفعول انسان یا با مفعول غیر انسان). لازم به توضیح است که در این گویش‌ها و دیگر گویش‌های استان اصفهان، برای هر یک از معانی ذکر شده در داخل پرانتز، فعلی جداگانه‌ای وجود دارد. به همین جهت مشخص کردن معنای مورد نظر تنظیم کنندگان این واژه‌نامه، در دقیق و صحیح بودن آن تأثیر خواهد داشت.

برخی افعال نیز دو بار مدخل شده‌اند، یک بار به صورت فعل بسیط و بار دیگر به صورت فعل مرکب، مانند: گریختن و فرار کردن، یافتن و پیدا کردن، گشودن و باز کردن، بریدن و پاره کردن، خیسیدن و خیس خوردن، گشتن و جستجو کردن، کندن (زمین) و حفر کردن، جلانیدن و فشار دادن، جنبیدن و تکان خوردن، افروختن و روشن کردن.

مدخل نشدن بعضی افعال پُرسامد و با اهمیت مانند «تراشیدن»، «زاییدن»، «توشتن»، «باختن» و بر عکس مدخل شدن برخی افعال کمتر رایج یا اصلاً نامعمول مثل «تکیدن»، «پژمردن»، «خراشیدن»، «تابانیدن نور» (و نه تابانیدن نخ) از دیگر نقایص این واژه‌نامه است. ۴- مورد دیگر، مبهم بودن، تخصصی بودن و یا حتی نو بودن بعضی مدخل‌ها است، به عنوان نمونه: پوزه کوه، کمرکوه، دیواره کوه، سنگاب (به عنوان پدیده‌ای طبیعی و نه جزئی از ساختمان‌های قدیمی)، بهمن‌پیچ، انجبار، افدرا، انزروت، نوزاد ملخ، خروس اخته، سوسک سیاه، سوسک توالت، دلیجه، دیابت، جنین، و نیز جدول خصلت‌های انسانی. خیلی از گویشوران حتی در تشخیص و تفاوت بین عقاب با شاهین و قرقی و

لاشخور؛ و یا خاریشت با جوجه‌تیغی دچار مشکل می‌شدند.

۵- در بخش صد جمله پایانی کتاب (فصل پنجم)، متأسفانه گویشوران در بسیاری از مواقع عین جمله مورد نظر را جواب نداده‌اند. سعی و تلاش نگارنده برای تکرار و پرسیدن دو یا چندبارۀ این جملات در مواردی مفید نبوده، و معادل گویشی جمله مورد نظر کماکان با معادل فارسی‌اش فاصله دارد. نوشتن معنای تحت‌اللفظی هر یک از این جملات نیز به دلیل کمبود جای کافی ممکن نبود. گهگاه با توضیحاتی فرعی این تفاوت‌ها معرفی شده است، یعنی اگر جزئی به جمله اصلی اضافه شده، داخل پرانتز قرار گرفته است.

۶- این گویش‌ها همچون دیگر گویش‌های ایرانی شدیداً تحت تأثیر و نفوذ تدریجی فارسی‌اند. همچنین مهاجرت و سکونت گروه‌هایی از مردم دیگر نقاط در مناطق مورد بررسی، سبب شده تفاوت‌هایی حتی در گویش اهالی یک روستای کوچک وجود داشته باشد که به علل مختلف امکان تعیین و توضیح همه آنها دشوار است. بدیهی است به دلیل مطلب فوق‌الذکر (یعنی نبود یک گویش کاملاً یکدست و واحد)، احتمال وجود برخی اختلافات جزئی در صورت‌های واژگانی، صیغه‌های فعلی و یا توصیف و توضیح نکات دستوری در بعضی قسمت‌های این کتاب می‌رود.

۷- نظام آوایی - واجی این گویش‌ها به ویژه واکه‌ها، در مواردی متفاوت از فارسی است و به این دلیل قابلیت مطالعه و بررسی آزمایشگاهی آواشناسی را دارد.

۸- به علت نبود شیوه و دستورالعمل مشخصی برای آوانگاری یا واج‌نگاری کلمات غیربسیط، تقریباً در همه جای این کتاب، به استثنای فصل دوم (ویژگی‌های زبانی)، این نوع واژه‌ها بدون فاصله یا خط تیره ثبت شده‌اند. دلیل دیگر اتخاذ این شیوه وجود تکواژگونه‌های مختلف، در هم آمیختگی بعضی تکواژها، و یا حتی عدم تشخیص مرز واژه‌ها و تکواژها است. در صد جمله پایانی (فصل پنجم) نیز، فقط برخی واژه‌بست‌های مهم‌تر با خط تیره مشخص شده‌اند. این موارد عبارت‌اند از:

یک) ضمائر پی‌بستی فقط در نقش فاعلی و مفعولی، به خاطر جایگاه متفاوتی که نسبت به جایگاهشان در فارسی اشغال می‌کنند (یعنی اتصال به مفعول مستقیم، مفعول غیر مستقیم و حتی قید در نقش فاعلی؛ و اتصال به وند تصریفی فعل در نقش مفعولی)، مشخص شده‌اند. در دیگر موارد از جمله در نقش مضاف‌الیهی (در اتصال به اسم و اسم‌واره‌ها) به جهت مشابهت آن با فارسی بدون نشان دادن مرز تکواژها آوانگاری شده‌اند.

دو) صورت‌های وابسته فعل بودن، یعنی افعال پی‌بستی.

سه) نشانهٔ (کسره) اضافه.

چهار) پس‌اضافه‌ها.

تنها مورد استثناء که با وجود غیر واژه‌بست بودن مشخص شده، وند استمراری دو گویش طامه‌ای و نطنزی است که به علت جدا شدن از فعل و پیوستن به عنصر قبل از فعل مشخص گردیده است (نگاه کنید به فصل دوم، قسمت ۱۰-۷-۴).

لازم به توضیح است که اکثر اوقات با حذف اختیاری نشانهٔ کسره اضافه، گرایشی به تبدیل گروه اسمی به واژه مرکب دیده می‌شود. در این موارد، این کسره اضافه ناپایدار، داخل پرانتز نشان داده شده است و بین اجزای گروه فاصله وجود دارد.